

در حاشیه صدور ۳۰ مجوز جدید برای مراکز همسرگزینی و ایجاد سامانه تایید صلاحیت مراکز همسرگزینی

مزایای مراکز همسرگزینی!

سریال هاست دیگر اتفاق نمی افتد. تابخواهی به نگاه اول برسی، با کلی آیت های منفی که طرف شما توی پرسشنامه پر کرده مواجه می شوی و بدون نگاه به عکس، می روی سراغ گزینه بعد! بنابراین، هیچ پسر زیر خط فقری قرار نیست به دختری از خانواده پول دار معرفی بشود و نصف سوژه های تلویزیون به همین راحتی سوخت می شود!

افزایش سلامتی و کاهش کلسترول: یکی از مهم ترین خواسته های استفاده کنندگان از مراکز همسرگزینی، طبقه بندی صحیح و پیشنهاد سوژه های درست است. مثلاً دختری که قرمه سبزی بلد نباشد کلان باید بین سوژه ها باشد. اصلاً شرط ورود به مرکز باید پخت قرمه سبزی باشد! با رعایت همین نکته، مصرف فست فود کلی کاهش پیدا می کند و شاخص های سلامتی جامعه را بالا می برد.

باز شدن چشم انسان به روی واقعیت ها: پیشنهاد ما این است که مثل کارت ملی، حضوری از شخص عکس بگیرند. (حالا در حد کارت ملی زشت هم نشد اشکال ندارد!) خدا شاهد است وقتی عکس پرو فایل بعضی ها را می بینی، به اینکه جفتتان از نسل پاک آریایی باشید شک می کنی و تازه در دیدار حضوری این عزیزان متوجه می شوی که آن زیبایی چیزی جز یک فیلتر خوب نبوده.

کشف گونه نادر آدم ازدواجی: پیدا کردنش تو این دوره و زمانه سخت است. شاید مهم ترین ویژگی این مراکز همین است که آدم می داند دست کم یک فرد ازدواجی طرف است. البته همین که می دانی سوژه معرفی شده حداقل سرکاری نیست خودش خیلی ویژگی بزرگی است. چه بسیار چت هایی که ماه ها ادامه پیدا نکرد و با خنده برادر شخص عاشق از زیر پتو به ابراز علاقه او پایان نیافت.

پایان عصر خالی بندی: از دکتر ها و مهندسان فضای مجازی که طبق آخرین آمار بیش از ۹۹ درصد جمعیت این فضا را تشکیل می دهند دیگر خبری نیست. باشاغلان و بیکارهای واقعی طرف می شوید.

حل مشکل کمبود سرم: کارشناسان پلخمون حساب کرده اند دیده اند با اجرای این طرح، مشکل کمبود سرم هم کاملاً برطرف خواهد شد. چطور؟ دیگر لازم نیست روز ولنتاین با سرم عکس بگیریدی و ترحم گدایی کنیدی!

افزایش کیفیت اینترنت: دیگر خبری از چت های پراز دل و قلوه نیست و رغبتهای برای نشان دادن استوری توی ماشین های مدل بالا، استخر ویلا یابی، لایو با هوای خوجل موجل و پیشی ملوسه نیست! در نتیجه، مصرف پهنای باند اینترنت کاهش و کیفیت افزایش پیدا می کند!

ایجاد تنوع در سریال های تلویزیون: این عشق در نگاه اول که سوژه بیشتر

سوالات تستی

پرسشنامه ویژه بانوان	پرسشنامه ویژه آقایان
مهم ترین ویژگی دلخواه شما از همسر آینده	مهم ترین ویژگی دلخواه همسر آینده شما
قد بیش از ۲ متر	قد زیر ۱۶۰
پسری که اخم کنه	دختری که لیخنه بزند
پول دار باشد، بقیه اش مهم نیست	باباش کارخانه داشته باشد
فقط شوهر باشه	فقط زن می خواهم
دوست دارید در آینده لانه عشقتان را کجا بنا کنید؟	در آینده در کجا می توانید لانه عشقتان را بنا کنید؟
خانه باباش	خانه باباش
خانه بابام	خانه بابام
خانه هایی که دولت قرار است به زوج های جوان بدهد	بعد از تولد بچه چهارم از طرح مسکن حمایتی دولت خانه می گیرم
فقط شوهر باشد	فقط زن می خواهم
دوست دارید درآمد همسر شما چقدر باشد؟	دوست دارید همسرتان چقدر خرج کند؟
خیلی زیر خط فقر نباشد	چون هیچ چی ندارم، هر قدر توانست خرج کند
نزدیک خط فقر	یک چهارم پولی که باباش به مان می دهد
بالای خط فقر (این گزینه را فعلاً نداریم)	یارانه اش مال خودش
فقط شوهر باشه	فقط زن می خواهم
تعداد خواهر شوهری که می توانید تحمل کنید:	تعداد باجناقهای که می توانید تحمل کنید:
یکی آن هم برای گل روی آقام	یکی آن هم به خاطر خانمی
ترجیحاً نداشته باشد. اگر هم داشت	ترجیحاً نداشته باشم. اگر هم بود
ان شاء... برود زیر تریلی!	ان شاء... برود زیر تریلی!
شوهرم پول دار باشه فرقی نمی کند	پدر زنم پول دار باشه فرقی نمی کند
فقط شوهر باشد	فقط شوهر باشد

صفحه ۴

۲۰ اسفند ۱۴۰۱

شماره ۶۷



از اجاره پسته تا فوت استادی آبدار!

ریا نباشد، چند روز پیش رفتم برای سفره هفت سین پسته اجاره کنم که چشمستان روز بد نبیند تا چشمم به نرخ اجاره پسته که پشت و پشیمان مغازه زده بودند افتاد، کنترل را از دست دادم. حواسم پرت شد و با آینه ماشینم زدم آینه ماشین را که کنار خیابان پارک بود شکستم. بعد هم به رسم مردانگی، از ماشین پیاده شدم، شماره موبایلم را روی کاغذ نوشتم و گذاشتم پشت برف پاک کن آن ماشین.

حدود یک ساعت بعد، صاحب ماشین تماس گرفت ولی من اولش چند بار که زنگ زد جواب ندادم. چند بار دیگر که زنگ زد درد تماس دادم. چند دفعه بعد هم جواب دادم ولی فقط فوت کردم. وقتی طرف حسابی کفری شد و شروع کرد به ارسال پیامک های بی تربیتی، تماسش را جواب دادم و صدايش را که داشت بد و بیراه می گفت ضبط کردم و با پرینت پیامک های یک راست رفتم

داد سراو از ش به اتهام مزاحمت تلفنی و توهین شکایت کردم! در نهایت هم خسارت آینه ماشین خودم را که به ماشین بنده خدا خورده بود و کمی پول توجیبی از طرف گرفتم تا رضایت دادم و پرونده بسته شد. اینجوری بود که با شماره گذاشتن، مردانگی و لوتی مسلکی ام رو ثابت کردم و با ترنند شکایت، زرنگی و تیز بودنم را نشان دادم. خلاصه که فرهنگ شهروندی یک